

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بررسی استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در ادبیات دفاع مقدس

دکتر اعظم استاجی^۱

دکتر شهلا شریفی^۲

عصمت فراگردی^۳

دکتر مرتضی رستمیان^۴

چکیده

مقاله حاضر به مطالعه عبارات استعاری مبتنی بر نام حیوانات در ادبیات دفاع مقدس می‌پردازد. تحلیل عبارات استعاری حیوانات، بر اساس چهارچوب لیکاف و جانسون انجام شده است. بر اساس این دیدگاه شناختی، استعاره فقط به یک آرایه ادبی به عنوان یکی از صور کلام اطلاق نمی‌شود؛ بلکه فرایندی فعال در نظام شناختی بشر محسوب شده تا جایی که استعاره‌های مفهومی یکی از راه‌های اساسی در درک افراد از مفاهیم در نظر گرفته می‌شود. مقاله حاضر در پی یافتن تفاوت‌هایی است که در به‌کارگیری استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در مورد نیروی خودی و نیروی دشمن وجود دارد. مسئله دیگری که پیش روی این تحقیق است، بررسی فرهنگی هر یک از این عبارات استعاری می‌باشد. روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی بوده است. داده‌های این مقاله از ۳۰ کتاب برگزیده جشنواره دفاع مقدس با قالب داستان فراهم شده است. نتایج و یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که حوزه حیوانات به عنوان حوزه مبدأ، یکی از پرکاربردترین حوزه‌های استعاری می‌باشد و بیشترین تعداد اسامی حیواناتی که بالاترین درجه توهین و حیوانیت را به همراه دارند، برای اشاره به نیروی دشمن استفاده شده است؛ اما برای اشاره به نیروهای خودی از تعداد کمی از اسامی حیوانات استفاده شده و این اسامی دارای بار معنایی مثبت هستند.

واژه‌های کلیدی: دیدگاه شناختی، استعاره، ادبیات دفاع مقدس، حیوانات، جنگ

۱. دانشیار بخش زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار بخش زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): esmat.faragerdi@yahoo.com

۴. دکترای آموزش زبان انگلیسی دانشگاه یزد

۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی جدید در زبان‌شناسی است که زبان را وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند. در زبان‌شناسی شناختی، زبان به عنوان بخشی از قابلیت‌های شناختی انسان در نظر گرفته می‌شود. استعاره یکی از عناوین و موضوعاتی است که در کانون توجه این رویکرد قرار دارد. دیدگاه شناختی درباره استعاره، تأثیر بسزایی بر مطالعه استعاره داشته است. زبان‌شناسان شناختی درباره استعاره این گونه می‌گویند: «اهمیت استعاره این است که چیزی در لفظ و اصطلاح چیز دیگر درک و تجربه می‌شود.» در واقع این زبان‌شناسان، استعاره را مکانیسم شناختی می‌دانند که به وسیله آن یک حوزه تجربی به حوزه تجربی متفاوتی انگاشته می‌شود؛ بنابراین، حوزه مقصد در اصطلاح حوزه مبدأ درک می‌شود. (گرویتز، ۲۰۰۰: ۴)

یکی از زایاترین حوزه‌های مبدأ، حوزه حیوانات می‌باشد و انسان‌ها توسط ویژگی‌های حیوانات توصیف و درک می‌شوند. استفاده استعاری از الفاظ و اصطلاحاتی که ویژگی‌های حیوانی را نشان می‌دهند فقط محدود به خود انسان نیست؛ بلکه این استعاره‌ها برای اشاره به بعضی از موقعیت‌ها هم به کار می‌رود. (کووکس، ۲۰۱۰) نیومارک (۱۹۹۳) معتقد است که حیوانات دارای بیشترین نماد فرهنگی هستند. نسی (۱۹۹۵: ۳) در مقاله خودش درباره معنای وابسته به فرهنگ حیوانات می‌گوید: «در هر فرهنگی اصطلاحات حیوانی به نگرش‌های خاصی مربوط می‌شوند و یک توافق همگانی درباره این که این نگرش‌ها چه هستند وجود دارد. میزان ارتباط بین حیوان و نگرش نسبت به آن از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است. برخی از فرهنگ‌ها نسبت به دیگر فرهنگ‌ها معانی قویتری به بعضی از حیوانات می‌دهند.» استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات بخشی از ادبیات زبان فارسی هستند. در این زبان، انسان‌ها با استفاده از

حیوانات توصیف می‌شوند و رفتار آن‌ها بر اساس ویژگی‌های حیوانات درک می‌شوند. (کووکس، ۲۰۰۰)

هدف از این پژوهش، بررسی استعاره‌هایی است که حیوانات در آن به عنوان حوزه مبدأ در ادبیات دفاع مقدس به کار رفته‌اند و در آن به تحلیل و بررسی ویژگی‌ها و خصوصیات هر یک از حیوانات به کار رفته به تفکیک نیروی خودی و نیروی دشمن، با تکیه بر دیدگاه فرهنگی، پرداخته شده‌است. داده‌های مورد تحلیل در این پژوهش، کتاب‌هایی است که در بخش ادبیات دفاع مقدس قرار می‌گیرند. از میان آن‌ها ۳۰ کتاب به عنوان نمونه پژوهش برای بررسی و تحلیل انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب، کتاب‌هایی بودند که به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شده‌اند و قالب همه آن‌ها داستان می‌باشد. کتاب‌ها از نویسندگان مختلف و از سال‌های مختلف (از هر سال یک کتاب) انتخاب شده‌است تا بتواند نماینده خوبی برای ادبیات دفاع مقدس باشد و تا حد ممکن، قابلیت تعمیم داشته باشد. بازه زمانی تحقیق، ۲۰ سال گذشته (۸۹-۶۸) است. تمام این نمونه‌ها به دقت مطالعه شده است و استعاره‌های موجود در آن‌ها استخراج و تحلیل و بررسی شده‌است.

۱-۱- بیان مسئله

همان‌طور که می‌دانیم، زبان فارغ از استعاره نیست. ما در زبان روزمره از استعاره‌های زیادی استفاده می‌کنیم که گاهی خودمان هم واقف به استفاده از آن‌ها نیستیم. در واقع استعاره‌ها بخش گریزناپذیری از زبان ما هستند که بررسی آن‌ها باعث روشن شدن تفکر، اندیشه و نگرش افراد نسبت به آن پدیده می‌شود. ما برای بیان موضوعات انتزاعی مثل زمان، زندگی، مشکلات و مسائل و پدیده‌های حائز اهمیت و پیچیده از استعاره استفاده می‌کنیم. یکی از این پدیده‌های پیچیده، جنگ است. در طول تاریخ، جنگ همواره یکی از تغییرات عظیم اجتماعی بوده است که باعث ایجاد حرکت، تحول و زایش در فرهنگ، زبان، سنت‌ها و باورها بوده است. جنگ سبب ایجاد تحول در ادبیات هر سرزمین می‌گردد و در واقع جنگ باعث ایجاد فصلی جدید در

ادبیات می‌شود و می‌تواند بازتاب نگاه افراد آن مرز و بوم نسبت به این مسئله باشد؛ لذا تحلیل استعاره‌های مربوط به این پدیده در ادبیات دفاع مقدس به درک هر چه بهتر ما از آن کمک می‌کند؛ در واقع، مسئله پیش روی این پژوهش این است که بدانند، استعاره‌هایی که در گفتمان ادبیات دفاع مقدس به کار رفته چه تصویری از پدیده جنگ و دفاع نشان داده‌اند و نگرش کلی نسبت به ابعاد مختلف آن چیست.

۱-۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در زمینه استعاره در دیدگاه شناختی در گفتمان‌های مختلفی نظیر گفتمان سیاسی، اقتصادی،... در داخل و خارج از کشور انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محققان و اقتصاددانان درباره استعاره در اقتصاد مطالعات زیادی کرده‌اند که یکی از پیشگامان در این زمینه مک کلاسی است. او در مقاله خود (۱۹۹۸) معتقد است که اقتصاد، در استعاره غوطه‌ور است. همچنین بلک و انیس (۲۰۰۱) مطالعات بین فرهنگی درباره استعاره-های اقتصادی انجام داده‌اند. لند مارک (۲۰۱۰) استعاره‌های گیاهی را در متون اقتصادی مطبوعات بررسی کرده است. همچنین درباره استعاره در گفتمان سیاسی، سینکی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «جست‌وجوی استعاره‌های ادراکی در گفتمان سیاسی» به بررسی نقش آن‌ها در این گفتمان پرداخته است. یوربونت (۲۰۰۷) در مقاله‌اش به عنوان «استعاره‌های سلامت در گفتمان سیاسی و اقتصادی» به بررسی استعاره‌های ادراکی سلامت از طریق تحلیل زبان‌شناسی در گفتمان سیاسی و اقتصادی انگلیسی و لیتوانی پرداخته است. یوسفی راد و گل‌فام (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «زبان‌شناسی شناختی و استعاره» سعی کرده‌اند تا شناخت مختصری از زبان-شناسی شناختی و نقش مهم استعاره در این رویکرد کسب کنند. شریفی و فیروزیان (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش اعضای بدن در ساخت استعاره‌ها در متون سیاسی فارسی» به نقش اعضای بدن در متون سیاسی پرداخته است. سجودی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی

استعارهٔ زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی در گروه‌های سنی الف، ب، ج: رویکرد معنی‌شناسی شناختی» به بررسی وجود و کیفیت استعارهٔ مفهومی «گذر زمان به مثابه حرکت در مکان» در قصه‌های کودک می‌پردازد. شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) در مقالهٔ «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی» به بررسی استعاره‌های موجود در ادبیات کودک پرداخته‌اند با این هدف که بدانند از استعاره برای تسهیل درک کدام مفاهیم ذهنی استفاده شده‌است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

ادبیات دفاع مقدس به نحو شایسته و بایسته از دیدگاه‌های علمی زبان‌شناسی تحلیل و بررسی نشده‌است؛ از آن‌جا که استعاره در دیدگاه شناختی، ابزار مناسبی برای دستیابی به تفکر و نگرش افراد نسبت به پدیده‌های مختلف است و در واقع، بخش عمده‌ای از شناخت ما از طریق استعاره انجام می‌پذیرد؛ لذا این پژوهش با بررسی استعاره در گفتمان ادبیات دفاع مقدس در صدد است که زاویهٔ دید افراد را نسبت به این گفتمان و اجزای مرتبط با آن بررسی کند و بیش قابل اعتمادی را در این زمینه ارائه دهد.

۲- بحث

در این بخش، نگاهی به چهارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی و استعاره از دیدگاه آن رویکرد شده است. در ادامه با ارائه تعریفی از ادبیات دفاع مقدس به جایگاه استعاره در آن پرداخته شده و در انتها اسامی حیواناتی که در قالب استعاری در ادبیات دفاع مقدس به کار رفته‌اند تحلیل شده‌اند.

۲-۱- چهارچوب نظری

زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که در سال ۱۹۷۰ پدید آمد. تحقیقات اولیه در این زمینه به دههٔ ۱۹۷۰ مربوط می‌شود که توسط تعدادی از محققان از جمله لیکاف و تامسون،

فیلمور و لانگاگر انجام پذیرفت و در ابتدای سال ۱۹۹۰ تحقیقات در این زمینه رشد چشمگیری داشت. محققان این حوزه خود را زبان‌شناسان شناختی می‌دانستند؛ در همان سال‌ها جامعه زبان‌شناسی شناختی پدید آمد. (ایوان و گرین، ۲۰۰۶) زبان‌شناسی شناختی زبان را وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند. به لحاظ روش شناختی تجزیه‌مبانی تصویری و تجربی مقولات زبانی در زبان‌شناسی شناختی از اهمیت اساسی برخوردار هستند. زبان در زبان‌شناسی شناختی اساساً به عنوان نظامی از مقولات در نظر گرفته می‌شود و ساختار صوری زبان نه به عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه در مقام نمودی از نظام مفهومی کلی، اصول مقوله‌بندی، ساز و کار پردازش و تأثیرات تجربی و محیطی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (گیرتس و کوکن، ۱۹۹۵) یکی از نتایج اساسی در علم شناختی این است که بیشتر افکار ما ناخودآگاه است که ما از آن آگاهی نداریم. (لیکاف، ۲۰۰۲)

۲-۲- استعاره در زبان‌شناسی شناختی

اگر زبان‌شناسی شناختی، مطالعه‌ی راه‌هایی باشد که در آن ویژگی‌های زبانی، جنبه‌هایی از درک انسان را منعکس کند، می‌توان گفت که استعاره یکی از واضحترین مثال‌ها از این رابطه است. تقریباً غیر ممکن است که استعاره را بدون توجه به رابطه‌ی میان معنای واژگان، استفاده و درک و دریافت از جهان در نظر بگیریم. دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد، «استعاره بخش‌های اساسی از تفکر، دریافت و سازماندهی عصب‌شناسی ما را منعکس می‌کند.» (گیرتس و کوپکن، ۲۰۰۷: ۱۸۸) بنابراین، استعاره موضوع و عنوانی است که در کانون توجه زبان‌شناسی شناختی قرار دارد. جانسون و لیکاف نخستین کسانی بودند که با طرح نظریه‌ی استعاره مفهومی پنجره‌ی دیگری به سوی پژوهش‌های مرتبط با استعاره گشودند و در سال ۱۹۸۰ نظریاتشان را در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح کردند. گیس و ریموند (۲۰۰۸) معتقدند که استعاره راهی است که مردم با آن، دنیای عینی خود را تعبیر و تفسیر می‌کنند. از نظر آن‌ها استعاره‌ها می‌توانند تا حدی انعکاسی از فرهنگ نیز

باشند. مفاهیم استعاری به خاطر تأثیر فرهنگ‌های مختلف تا حدی به لحاظ فرهنگی متفاوت هستند. وجود مفهوم استعاری در ملل و فرهنگ‌های مختلف، همگانی بودن شناخت استعاری و شباهت شناخت میان فرهنگ‌های مختلف را نشان می‌دهد. بر اساس شناخت تجربی لیکاف، تجارب فیزیکی درباره موضوعات شناختی، نقش مهمی را در توسعه شناختی و شکل‌گیری مفاهیم انتزاعی با توجه به این تجربیات فیزیکی ایفا می‌کنند. او معتقد است که فرهنگ، زبان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ لذا با توجه به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، تجربیاتمان را شکل می‌دهیم و معنا می‌کنیم.

۲-۳- استعاره و ادبیات دفاع مقدس

سنگری ادبیات دفاع مقدس را این‌گونه تعریف می‌کند:

«ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه موضوع آن به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ‌تر برای این عنوان تصور کرد و با تکیه بر ویژگی‌های مقدس بودن می‌توان قلمرو الهی و دینی برای این نوشته‌ها و سروده‌ها تداعی کند.» (۱۳۸۰: ۱۵)

اصولاً هنر و ادبیات این قابلیت را دارد که یا همسوی با جریان مسلط فکری و فرهنگی و در جهت توجیه و تأیید آن عمل کند و یا نسبت به آن، عملکرد اعتراضی داشته باشد. ادبیات به عنوان یک فراورده فرهنگی، صرفاً حاصل عملکرد یک ذهن فردی (ذهن نویسنده) نیست؛ ذهنی که ممکن است بی‌زمان و بی‌مکان و فارغ از مناسبات اجتماعی و روابط قدرت و گفتمان‌های غالب و مغلوب و مرکزی و حاشیه‌ای به تصویر کشیده شود. این خود روایتی از ادبیات است که گویی هدف غایی آن پنهان کردن این واقعیت است که ادبیات، عرصه‌ای خنثی نیست و خواسته و ناخواسته، آگاهانه و یا ناآگاهانه محمل ایدئولوژی است و جهت‌گیری اجتماعی دارد. با این اوصاف (نه الزاماً در بحث ادبیات پایداری یا ادبیات دفاع مقدس) «ادبیات ممکن است همسوی با گفتمان مسلط و مرکزی و در جهت تقویت

روایت‌های کلان فرهنگی عمل کند و یا ممکن است همسوی با گفتمان‌های مغلوب و حاشیه‌ای جنبه‌هایی از اعتراض یا مقاومت را به نمایش بگذارد.» (تندرو صالح، ۱۳۸۲: ۸۰)

لیکاف (۱۹۹۱) در مقاله خودش تحت عنوان «استعاره‌ها می‌توانند بکشند» به استفاده از استعاره در ادبیات مطبوعاتی اشاره دارد که نقش تفکر استعاری به معنای واقعی کلمه در پیشبرد ما به سوی جنگ، حیاتی است. تفکر استعاری به خودی خود نه خوب است و نه بد؛ بلکه امری عادی و ناگزیر است؛ در واقع، نظامی گسترده و تقریباً ناخودآگاه از استعاره وجود دارد که بر اساس آن به طور خودکار و بدون اندیشه امور پیچیده و انتزاعی را درک می‌کنیم. بخشی از این نظام به درک روابط بین‌الملل و جنگ اختصاص دارد. او اشاره دارد که گفتمان مربوط به رفتن و نرفتن به جنگ خلیج فارس فضایی پر از استعاره بود. به عنوان مثال، بیکر وزیر امور خارجه تصور می‌کرد که «صدام حسین روی شریان اقتصادی مانسسته است». رئیس جمهور بوش از او به عنوان «گلوگیر» اقتصادی یاد می‌کرد. بوش می‌گفت ایالت متحده به خلیج فارس رفته‌است تا از «آزادی محافظت کند، از آینده‌مان محافظت کند، و از بی-گناهیمان محافظت کند» و ما مجبوریم «صدام حسین را عقب برانیم».

مشاهده می‌شود که در این فضا و گفتمان صدام حسین را به شکل هیتلر تصور می‌کردند. تصمیم برای رفتن به جنگ ممکن است نوعی تحلیل هزینه و سود را در نظر آورد؛ چنانکه جنگ این‌طور توجیه می‌شود که هزینه‌های جنگ کردن کمتر از هزینه‌های جنگ نکردن باشد. دوم اینکه مجموعه‌ای از تعاریف استعاری وجود دارد که این اجازه را می‌دهد که چنین استعاره‌هایی در مورد یک موقعیت خاص به کار رود. تشخیص چیزی که استعاری است از چیزی که استعاری نیست، مهم است. درد، تکه تکه شدن، مرگ، گرسنگی و زخمی شدن عزیزان استعاری نیستند؛ آن‌ها واقعی‌اند و حقیقت دارند و این واقعیت‌ها هر بشری را متأثر می‌کند؛ بنابراین در جوامع مختلف وقتی می‌خواستند جنگ را فعالیتی تصور کنند که پیامدهای جانی اندکی دارد، با تصویرسازی‌های مناسب به انکار هر چه بیشتر مرگ و آثار

زیان‌بار آن می‌پرداختند و استعاره را ابزار مناسبی برای بیان این‌گونه افکار و اندیشه‌ها می‌دانستند.

۲-۴- اسامی حیوانات در عبارات استعاری

قلمروی حیوانات، حیطة مبدأ خوبی است و لغات استعاری غنی‌ای را فراهم می‌کند. استعاره‌های حیوانی بسیار رایج هستند و اغلب بر اساس ساختار سلسله مراتبی قرار دارند که در آن، انسان‌ها در جایگاه بالا و حیوانات در جایگاه پایین می‌باشند. (لیکاف و تورنر، ۱۹۸۹) کووکس (۲۰۰۰) معتقد است که مردم، اغلب به حیوانات متوسل می‌شوند برای این‌که رفتارها، احساسات و روابط انسانی را توضیح دهند. استعاره‌های حیوانی نه تنها پایه شناختی دارند، بلکه به لحاظ فرهنگی هم تحت تأثیر قرار دارند؛ به این معنی که نگرش‌ها و اعتقادات خاصی را که یک جامعه نسبت به حیوانات دارد، منعکس می‌کند؛ بنابراین از فرهنگی به فرهنگ دیگر و در زمان و مکان متفاوت است. (دیگنان، ۲۰۰۳)

استعاره‌های مربوط به حیوانات، وسیله‌ای است که ویژگی‌های نامطلوب انسان را بیان می‌کند. به عنوان مثال جهالت و نادانی فرد را با واژه خر یا گاو توصیف می‌کنند. (طالبی نژاد و دستجردی، ۲۰۰۵) با وجود این‌که استفاده از استعاره‌های حیوانی وسیله‌ای برای توصیف عادات و رفتارها و نگرش‌های نامطلوب انسانی است، در نگاهی دقیق‌تر در شناسایی استعاره‌های حیوانی متوجه می‌شویم که از آن‌ها فقط برای توصیف ویژگی‌های منفی انسان استفاده نمی‌شود؛ بلکه با استفاده از بعضی از این استعاره‌ها به صفات مثبت آدمی نیز اشاره می‌شود. مثلاً «شیر» به انسان شجاع اشاره دارد. البته باید توجه داشت جنبه مثبتی که از این حیوانات در نظر می‌گیرند منعکس‌کننده دیدگاه‌های فرهنگی هر جامعه می‌باشد. (دیگنان، ۲۰۰۳)

۲-۵- ارائه و تحلیل داده‌ها

استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در این پژوهش از کتب داستانی ادبیات دفاع مقدس ایران و عراق انتخاب شده‌است. در انتخاب این داده‌ها سعی شده‌است که از نمونه‌های تکراری جلوگیری شود و در هر مورد فقط یک مثال از هر کدام ذکر شده‌است. پس از بررسی استعاره‌های موجود در داده‌ها مشاهده شد که از ۲۱ نام حیوان در گفتمان جنگ استفاده شده‌است که از این حوزه هم برای به تصویر کشیدن نیروهای خودی و هم برای توصیف دشمن و ابزار آلات جنگی استفاده شده‌است.

در زیر به ذکر اسامی تمام حیواناتی که در بررسی داده‌ها مشاهده شده به همراه ذکر مثال و شرح مختصری از هر کدام می‌پردازیم؛ همچنین در جدول‌های شماره (۱) و (۲) اسامی این حیوانات به همراه خصوصیت بکار رفته آن‌ها به تفکیک نیروهای دشمن و نیروهای خودی پرداخته شده‌است.

۱- سگ: سگ در فرهنگ ما نماد پستی، خواری، دنباله‌روی کورکورانه، درندگی و نجسی است. (افراسیاب پور، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

مثال: دشمن را که می‌بینم به یاد سگ‌های آبادی می‌افتم که اگر نمی‌ترسیدی، جرات جلو آمدن را نداشتند و به کوچک‌ترین تکان تو پا به فرار می‌گذاشتند. (حسنی، ۶۰: ۱۳۸۲)

۲- جغد: جغد از پرندگان است که در ویرانه‌ها جا دارد و شوم و نحس است؛ همچنین نمادی از ضد ارزش‌هاست. (ظاهری و صفری، ۱۰۷: ۱۳۹۱)

مثال: این جغد شوم (دشمن) قبل از عملیات بر ویرانه خراب این شهر لانه کرده‌است. (بهبودی، ۶۵: ۱۳۷۰)

۳- روباه: روباه حیوانی است که در اشعار و ادبیات فراوان از آن استفاده شده‌است. در فرهنگ ما روباه موجودی مکار و حيله‌گر است. این حیوان به حيله‌گری و مکاری مشهور است به همین جهت برای اشاره به این صفت انسانی از این حیوان استفاده می‌شود. (رحیمی و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۶۵)

- مثال: این روباهان مگار پنجه در پنجه شیران افکنده‌اند. (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۴)
- ۴- گوسفند: گوسفند، نماد انسان‌های مطیع و رام است؛ همچنین تمثیل انسان‌های غافل و تباهکار که در مرتع شهوت دنیا می‌چرخند. (اعلم، ۱۳۸۱: ۲۵۲)
- مثال: به هر طرف که این جوانان حمله می‌کردند گله گوسفند (عراقی‌ها) از جلوی آن‌ها فرار می‌کرد. (امیرخانی، ۱۳۷۴: ۲۰۹)
- ۵- لاشخور- کرکس: کرکس دارای معانی نمادین فراوانی است: «آتش، انهدام، بی‌رحمی، بی‌عاطفگی، درندگی، غارتگری، مرگ و...» (جایز، ۱۳۷۰: ۱۰۱) کرکس در متون ادب فارسی به طور کلی چهره‌ای مذموم و پلید دارد و در ادبیات فارسی، برخلاف متون قبل از اسلام، روی خوشی به این پرنده نشان نداده‌اند. (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۷۷۶)
- مثال: هر جا که لاشخورها (عراقی‌ها) می‌آیند تو باید همان‌جا باشی. (بسطامی، ۱۳۷۸: ۹۷)
- مانور هواپیمای دشمن لاشخور و کرکس بر اجساد ادامه دارد. (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۲۰)
- ۶- مار: در زبان فارسی به خاطر ظاهر خوش و فریبنده و باطن شرور و آسیب‌رسان، کنایه از نفس آدمی و نیز در سیرت دهر به کاررفته و گاه نیز به عنوان نماد خشم، مورد اشاره قرار گرفته است. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۲۵۰)
- مثال: باید خیلی حواست جمع باشد وگرنه این ماران زهرشان را می‌ریزند. (امیرخانی، ۱۳۷۴: ۹۸)
- ۷- گرگ: در فرهنگ ما گرگ زاده اهریمن است و نماینده نیروی شر و نماد آز و بی‌رحمی و مرده‌خوار می‌باشد. (بنونیست، ۴۸: ۱۳۷۷-۴۹) هم‌چنین شریفی معتقد است که گرگ مظهر درندگی و بی‌رحمی است و در این معنی بیشتر در برابر گوسفند است. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۲۰۶)
- مثال: بچه‌ها در کنار خاک‌ریز روی زمین افتاده‌اند و گرگ‌ها به آن‌ها حمله ور شده‌اند. (بسطامی، ۱۳۷۸: ۷۱)

۸- کلاغ: صفات باطنی کلاغ در ادب فارسی بیش از سایر حیوانات است. او را به صفاتی چون دزدی، حرص، محتاط بودن، حيله‌گری، نادانی، تیزی و خیرچینی متصف ساخته‌اند. (تاج بخش و فرجی قرقانی، ۱۳۸۹: ۳۶)

مثال: آن کلاغ‌ها (عراقی‌ها) روی لوله‌های تانک‌ها ایشان می‌نشستند. (فراهانی، ۱۳۷۳: ۹۴)

۹- قورباغه: جانوران دوزیستی که دارای زبان بلند و چسبناک است و برای بدست آوردن طعمه از زبان خود استفاده می‌کنند. در اینجا زبان درازی و گستاخی دشمن را با استفاده از این ویژگی قورباغه نشان داده شده‌است. (رهبریان، ۱۳۹۱: ۲۰)

مثال: قورباغه لعنتی مگر دنبال طعمه نیستی؟ پس چرا زبان داز و چسبناکت را به طرف ما دراز نمی‌کنی؟ (فراهانی، ۱۳۷۳: ۲۵۶)

۱۰- گاو: گاو نمادی از انسان‌های نادان، ظاهرپرست، بی‌علم، ناآگاه و بی‌دین است. (ظاهری عبده و نند و صفری، ۱۳۹۱: ۱۰۲)

مثال: بچه‌ها پشه را روی هوا می‌زدند؛ در حالی که او گاوی بود روی زمین. (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۹۳)

۱۱- سوسک: برای خوار کردن و کوچک کردن استفاده شده‌است. (رهبریان، ۱۳۹۱: ۲۲)

مثال: این اشتباه، عراقی‌ها را سوسک کرد. (فرجام، ۱۳۸۱: ۴۰)

۱۲- موش (کور): در ادب فارسی، بیشتر به عنوان مظهر زر دوستی، طمع و دنیاداری و گاه به کنایه از شخص ترسو، یا آدم موزی که به ضعف و ناتوانی تظاهر می‌کند؛ مورد اشاره قرار گرفته‌است. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۳۶۶) موش، گاه تمثیل نفس اماره، انسان‌های حقیر و کوتاه بین و پیرو نفس است. (خیریه، ۱۳۸۴: ۲۰۶) موش، در بررسی‌ای که تقوی از حکایت‌های حیوانات به عمل آورده‌است، مگ‌ار و کینه‌توز، حریص و نادان و بی‌احتیاط، معرفی شده‌است. (تقوی، ۱۳۷۶: ۳۹۱)

مثال: منافق، موش کوری است که به تاریکی خو گرفته است و از رودرویی با ما می‌هراسد.
(مطلق، ۱۳۸۲: ۶۳)

۱۳- بز: جانوری کودن و احمق است که در ادب فارسی هم تعبیراتی مبتنی بر برخی از ویژگی‌های او وجود دارد؛ نظیر بی‌ارزشی، ترسو بودن و غیره... (قزوینی، ۱۳۶۱: ۱۲۵)
مثال: آن‌ها بزدل تراز این حرف‌ها بودند. (فکور، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

۱۴- خفاش: پرنده‌ای که در شب نمی‌بیند و با این که در شب قدرت بینایی ندارد، می‌تواند شکار کند. اینکه خفاش در شرایط غیرمتعارف به دنبال صید طعمه است، نماد انسان‌هایی است که در شرایط نامطلوب و غیرمتعارف به دنبال دستیابی به مقصود خویش هستند. (صرفی، ۱۳۸۶: ۶۴)

مثال: خفاشان شب، مضطربانه انفجار عظیمی را در انتظارند. (احمد زاده، ۱۳۸۶: ۵۴)
۱۵- پرنده: ویژگی‌های طبیعی پرندگان از قبیل، بال و پر، پرواز، آشیانه، اسارت، سفر و... دستمایه نمادپردازی آن‌ها را در ادبیات فراهم می‌کند.

پرنده در اسلام، نماد فرشته است؛ بنابراین، پرندگان روح زندگی را نشان می‌دهند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۱۹۷) بنابراین کبوتر، نماد پاکی، صفا و سادگی است و در حال پرواز، نماد جان یا روح در حال عروج است. هم در دوره انقلاب و هم در هنگامه جنگ از نماد کبوتر قرمز رنگ، یا کبوتری که قطرات خون از پیکر آن می‌چکد، برای تصویر کردن نمادین عروج روح شهدا استفاده می‌کردند.

مثال: این کبوتران عاشق به سوی معشوق هستند تا به سوی او پرواز کنند. (کمری، ۱۳۶۹: ۱۹۷)

۱۶- عقاب: یکی از بزرگ‌ترین و نیرومندترین پرندگان جهان که او را شاه پرندگان می‌نامند. عقاب مظهر بی‌پروایی، اقتدار، صعود و عظمت است. مغرور و ترسناک و قدرت شکارگری بسیار دارند. برخی از عقاب‌ها حین پرواز شکار خود را صید می‌کنند. (یدالهی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

مثال: عقابان تیز پرواز (هوانیروز)... (مومنی، ۱۳۷۶: ۴۲)

۱۷- باز: باز با ویژگی‌هایی چون تیز بانگ بودن، بلند آشیان، سبک‌سر، سبب نوک و سهمگین چنگال شناخته شده‌است. در توانایی، سرآمد پرندگان است. در اساطیر ایرانی در افسانه آفرینش به عنوان پیک خورشید معرفی شده‌است. در اساطیر کهن، این پرنده با دیگر پرندگان بلند پرواز با خدایان خورشید همراه بوده‌است. (یا حقی، ۱۳۸۶: ۵۰۹)

مثال: این بازان شکاری (هوانیروز) بودند که تک تک تانک‌ها را شکار می‌کردند. (مومنی، ۱۳۷۶: ۳۰)

۱۸- پروانه: پروانه در ادبیات فارسی دارای ویژگی‌های پرندگان می‌باشد و بارها مورد نمادپردازی قرار گرفته‌است. اصولاً این پرنده، دو معنای نمادین دارد: یکی عاشق خالص است و دیگری فراموشی و نسیان. (صرفی، ۱۳۸۶: ۶۶)

مثال: شنیدن از یار و رسیدن به یار آرزوی دیرینه پروانه است. (قدمی، ۱۳۶۸: ۱۱۲)

۱۹- غزال: یکی از ویژگی‌های این حیوان نحوه رمیدن و سرعت حرکت آن است. در ادبیات فارسی از همین ویژگی تاختن و گرازان رفتن او استفاده شده‌است. (ظاهری عبده‌وند و صفری، ۱۳۹۱: ۱۰۳)

مثال: او آخرین نازنجک خود را به سمت افسران ما پرتاب کرد آنان غزال فراری (افسران ایرانی) شدند. (رضایپور، ۱۳۸۵: ۵۱)

۲۰- شیر: شیر نماد اقتدار، سلطان حیوانات، عظمت، قدرت، دلیری، عدالت و قانون است. شیر را اشرف درندگان می‌دانند و برای آن، ارزش و اعتبار بسیار قائل شده‌اند. (شوالیه و گبران، ۱۳۷۸: ۱۱۱)

مثال: شیران در کمین‌گاه خود آماده نبرد بودند. (مومنی، ۱۳۷۶: ۲۳)

۲۱- پلنگ: پلنگ با مفاهیمی چون بی‌پروایی، سرعت، قدرت، اقتدار، درنده‌خویی و... همراه است. (شوالیه و گبران، ۱۳۷۸: ۹۸)

مثال: سنگر پلنگ‌ها چشم دشمن را سوزانده بود. (مطلق، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

همان‌طور که در موارد بالا مشاهده شد هر حیوانی نماد و سمبل مفهومی می‌باشد که درک آن تا حد زیادی فرهنگی وابسته است. در گفتمان جنگ از ویژگی‌ها و خصوصیات این حیوانات برای اشاره به دشمن و نیروی خودی استفاده شده‌است که با توجه به بافت مورد استفاده ویژگی مورد نظر دریافت می‌شود. در ادامه در جدول‌های زیر ویژگی‌های به کاررفته برای هر کدام ذکر شده‌است.

جدول شماره (۱)

ویژگی‌های حیوانی به کار رفته برای توصیف نیروی خودی

ویژگی مورد اشاره	حیوانات مورد استفاده برای نیروی خودی
روح و جان	پرنده- کبوتر
جسارت و شجاعت	عقاب
شکارچی بودن	باز
ایثار و وفا	پروانه
باهوشی و سرعت حرکت	غزال
قدرت و شجاعت	شیر

جدول شماره (۲)

ویژگی‌های حیوانی به کار رفته برای توصیف دشمن

ویژگی مورد اشاره	حیوانات مورد استفاده برای نیروی دشمن
ولگردی و بی‌ارزشی	سگ
مصیبت و شومی	جغد
حیله‌گری و مکاری	روباه
احمق (کودن)	گوسفند
مرده خواری و پلیدی و تعلق به دنیا	لاشخور- کرکس
شرور و آسیب رسان	مار
درنده خویی و بی‌رحمی	گرگ
خبرچین و حیله‌گری	کلاغ
زبان‌درازی و گستاخی	قورباغه
احمق- درشت هیكلی	گاو
خوار و کوچک بودن	سوسک
ترسو و حقیر	موش
انسان‌هایی که در شرایط نامطلوب به دنبال مقصود خویشند	خفاش
ترسو	بز

در جدول شماره (۲) از نام چهارده حیوان برای اشاره به دشمن استفاده شده است که تمامی این حیوانات دارای بار منفی بوده و برای اشاره به خصوصیات نامطلوب و ناپسند نیروی دشمن و نمایان ساختن جنبه حیوانی آن‌ها به کار رفته است؛ در حالی که برای اشاره به نیروی خودی در

جدول شماره (۱) تنها از نام هفت حیوان استفاده شده است که در آنها ویژگی‌های مثبت و مطلوب‌شان مورد نظر بوده است.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات دفاع مقدس با تکیه بر دیدگاه شناختی نشان داد که به کارگیری استعاره جزء بخش‌های عادی و کاربردی در متون ادبیات دفاع مقدس است که نویسندگان با استفاده از آن به پردازش و انتقال اطلاعات درباره زوایای مختلف دفاع مقدس می‌پردازند. در واقع همان‌طور که لیکاف (۱۹۹۱) استعاره را ابزار مناسبی جهت بیان افکار و اندیشه‌ها دانسته است، استعاره‌ها انعکاسی از تفکر نویسندگان را درباره دفاع مقدس نشان می‌دهند؛ به بیان ساده، آن‌ها اندیشه‌های خود را در قالب این استعاره‌ها بیان می‌کنند. با استفاده از این استعاره‌ها یک حوزه تجربی (خصلت‌های انسانی) در حوزه تجربی دیگری (خصلت‌های حیوانی) انگاشته شده و حوزه مقصد (نیروی خودی و نیروی دشمن) در اصطلاح حوزه مبدأ (حیوانات) نشان داده شده است. این تحقیق، ادعای کووکس (۲۰۱۰: ۱۸) که یکی از زایاترین حوزه‌های مبدأ را حوزه حیوانات دانسته است و در آن، انسان‌ها با ویژگی‌های حیوانات توصیف و درک می‌شوند را تأیید می‌کند. در بررسی ادبیات دفاع مقدس یکی از پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ حوزه حیوانات تشخیص داده شد. با توجه به این که حیوانات دارای بیشترین نماد فرهنگی می‌باشند، نویسندگان نگرش خود را که برخاسته از توافق همگانی جامعه نسبت به آن حیوان است نشان می‌دهند؛ در واقع، نگرش جامعه نسبت به هر حیوانی باعث ایجاد معانی دوقطبی مثبت و منفی نسبت به آن حیوان شده است؛ به عبارت دیگر، این ارزش‌های فرهنگی جامعه هستند که با حیوانات خاصی همراه می‌شوند که البته این مسئله در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است. حیوانی ممکن است در فرهنگی مطلوب و در فرهنگی دیگر نامطلوب در نظر گرفته شود؛ لذا تفکر استعاری نویسندگان ادبیات دفاع مقدس که به طور اجتناب‌ناپذیری رنگ و

بوی فرهنگی نیز به خود می‌گیرد به درک خواننده از دفاع مقدس کمک می‌کند. در نوشته‌های مربوط به دفاع مقدس برای به تصویر کشیدن خصایل و رزایل رزمندگان و نیروهای دشمن از حیوانات فراوانی استفاده شده است که به مدد این نوع از استعاره‌های شناختی، تفکر و نگرش خود را نسبت به نیروی خودی و دشمن با مضامین ذیل بیان می‌کنند:

- ۱- آن دسته از ویژگی‌های حیوانی که دارای بار معنایی منفی بوده و بیشترین درجه اهانت و توهین را داراست برای اشاره به نیروی دشمن استفاده نموده‌اند نظیر: وابستگی، دنیاپرستی، جهل و نادانی، فریب‌خوردگی، بی‌تدبیری، حيله‌گری و...
- ۲- در مقابل از ویژگی‌های مطلوب که دارای بار معنایی مثبت می‌باشد نظیر قدرت، شجاعت، زیرکی، خردمندی، آزادگی، دوراندیشی، وارستگی از دنیا... برای اشاره به نیروی خودی استفاده کرده‌اند.

در نتیجه نویسندگان دفاع مقدس با به‌کارگیری این استعاره‌ها، دفاع از میهن را پدیده‌ای مقدس به تصویر کشیده‌اند و آسیب‌ها و صدمات وارده بر نیروی خودی و آثار مخرب آن را که جز ویژگی‌های ذاتی هر دفاعی است را ارزش دانسته‌اند. همچنین با مثبت نشان دادن این ویژگی‌ها و با ستایش دفاع مقدس سعی بر تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر احساسات و برانگیختگی هیجانانگیز خواننده داشته‌اند و تلاش نموده تا پیام‌های خود را از این پدیده در ذهن خوانندگان، ماندگار و عمیق کنند؛ هر چند که این نویسندگان نمایندگان فرهنگی جامعه هستند و این موضوع، ریشه داشتن افکار آن‌ها در متن جامعه را نشان می‌دهد.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. احمدزاده، حبیب. (۱۳۸۶). **شطرنج با ماشین قیامت**. تهران: انتشارات سوره.
۲. اعلم، هوشنگ. (۱۳۸۱). **جستارهایی در تاریخ علوم دوره اسلامی**. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۳. امیرخانی، رضا. (۱۳۷۴). **ارمیا**. تهران: نشر سمپاد.
۴. بسطامی، سعى. (۱۳۷۸). **حماسه میمک**. تهران: نشر شاهد.
۵. بنونیست، امیل. (۱۳۷۷). **دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی**. ترجمه بهمن سرکاراتی. چاپ سوم. تهران: قطره.
۶. بهبودی، هدایت‌ا.... (۱۳۷۰). **مدال و مرخصی**. تهران: انتشارات حوزه هنری.
۷. تقوی، محمد. (۱۳۷۶). **بررسی حکایت‌های حیوانات (فابل‌ها) تا قرن دهم در ادب فارسی**. تهران: انتشارات روزنه.
۸. تندرو صالح، شاهرخ. (۱۳۸۲). **ادبیات جنگ و موج نو**. تهران: فرهنگ‌سرای پایداری.
۹. جابز، گروتروود. (۱۳۷۰). **سمبول‌ها**. ترجمه محمد رضا بقاپور. تهران: مترجم.
۱۰. خیریه، بهروز. (۱۳۸۴). **نقش حیوانات در داستان‌های مثنوی معنوی**. تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
۱۱. رضاپور، راضیه. (۱۳۸۵). **آخرین معادله**. تهران: نشر ستاره‌ها.
۱۲. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**. تهران: انتشارات پالیزان.
۱۳. شریفی، محمد. (۱۳۸۸). **فرهنگ ادبیات فارسی**. چاپ سوم. تهران: نشر نو.

۱۴. شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۷۸). **فرهنگ نماده**. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیجون.

۱۵. عبداللّهی، منیژه. (۱۳۸۸). **فرهنگ‌نامه جانوران در ادب پارسی**. تهران: پژوهنده.

۱۶. فراهانی، مهدی. (۱۳۷۳). **ارتفاعات کوبی کوبلان**. تهران: انتشارات حوزه هنری.

۱۷. فرجام فر، سهیلا. (۱۳۸۱). **کفش‌های سرگردان**. تهران: سوره مهر.

۱۸. فکور، اصغر. (۱۳۸۶). **مردها زود بزرگ می‌شوند**. چاپ سوم. تهران: نشر ستاره‌ها.

۱۹. قدمی، محمدحسین. (۱۳۶۸). **جشن حنابندان**. تهران: انتشارات حوزه هنری.

۲۰. قزوینی، ذکریابن محمد. (۱۳۶۱). **عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات**. تهران: عطار.

۲۱. کمری، علیرضا. (۱۳۶۹). **نامه‌های فهیمه**. تهران: انتشارات سوره مهر.

۲۲. مطلق، محسن. (۱۳۸۲). **نگاه شیشه‌ای خاطرات شفاهی حسن آذری موفق**. تهران: سوره مهر.

۲۳. مومنی، محسن. (۱۳۷۶). **زمانی برای بزرگ شدن**. تهران: انتشارات سوره مهر.

۲۴. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). **فرهنگ اساطیر**. تهران: فرهنگ معاصر.

ب. مقاله‌ها

۱. افراسیاب‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). «**تمثیل حیوانات در مثنوی هفت اورنگ**». مجله

عرفانیات در ادب فارسی. سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۰۳-۱۱۸.

۲. تاج‌بخش، اسماعیل و فرجی‌قرقانی، آسیه. (۱۳۸۹). «**کلاغ در ادب پارسی**». تاریخ

ادبیات فارسی. شماره ۶۲، صص ۲۹-۴۶.

۳. رحیمی، امین و موسوی، زهرا. (۱۳۹۳). «نمادهای جانوری نفس در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی». متن پژوهی ادبی. جلد ۶۲، شماره ۱۸، صص ۱۴۷-۱۷۳.
۴. رهبریان، محمدرضا. (۱۳۹۱). «نگاهی به نقش حیوانات در ادبیات». کتاب ماه ادبیات. شماره ۲۵، صص ۱۷-۲۵.
۵. سجودی، فرزانه. (۱۳۹۱). «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستانهای کودکان به زبان فارسی». فصلنامه نقد ادبی. شماره ۱۹، صص ۱۳۵-۱۵۶.
۶. شریفی، شهلا و حامدی شیروان، فاطمه. (۱۳۸۹). «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی». تفکر و کودک. شماره ۲، صص ۳۹-۶۴.
۷. صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «نماد پرندگان در مثنوی». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. جلد ۵، شماره ۱۸، صص ۵۳-۷۶.
۸. ظاهری عبده‌وند، ابراهیم و صفری، جهانگیر. (۱۳۹۱). «بررسی نمود برخی حیوانات و پرندگان در شعر ناصر خسرو». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهر کرد. سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۳-۱۱۰.
۹. یداللهی، نسرین. (۱۳۸۳). «عقاب در اسطوره و ادبیات». ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. شماره ۱، صص ۱۰۶-۱۲۶.
۱۰. یوسفی‌راد، فاطمه و گل‌فام، ارسلان. (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». تازه‌های علوم شناختی. شماره ۵، صص ۵۹-۶۴.

ج. منابع لاتین

۱. Charteris-Black, J., & Ennis, T. (۲۰۰۱). **A comparative study of metaphor in Spanish and English financial reporting**. *English for Specific Purposes*, ۲۰(۳), ۲۴۹-۲۶۶.
۲. Cienki, A. (۲۰۰۵). **Researching conceptual metaphors that (may) underlie political discourse**. In ECPR Workshop on Metaphor in Political Science.
۳. Deignan, A (۲۰۰۳). **Collins cobuild English guides: Metaphor**. London: Harpercollins.
۴. Evans, V., & Green, M. (۲۰۰۶). **Cognitive linguistics: An introduction**. Edinburgh: Edinburgh University Press.
۵. Geeraerts, D., & Cuyckens, H. (۱۹۹۵). **The Oxford handbook of cognitive linguistics**. Oxford: Oxford University Press.
۶. Geeraerts, D., & Cuyckens, H. (۲۰۰۷). **Introducing cognitive linguistics**. Oxford: Oxford university press.
۷. Gibbs, J., & Raymond, W. (۲۰۰۸). **The Cambridge handbook of metaphor and thought**. Cambridge: Cambridge University Press.
۸. Gruyter, M. (۲۰۰۰). **Metaphor and Metonymy at Crossroads: A cognitive perspective**. Berlin: Walter de Gruyter.
- Johnson, M., & Lakoff, G. (۱۹۸۰). **Metaphors we live by**. Chicago: University of Chicago press.
۹. Kovecses, Z. (۲۰۰۰). **American English: an introduction**. Canada: Broadview Press.
۱۰. Kovecses, Z. (۲۰۱۰). **Metaphor: A practical introduction**. Oxford: Oxford University Press.
۱۱. Lakoff, G. (۱۹۹۱). **Metaphor and War: The Metaphor System used to Justify War in the gulf (Part ۱ and ۲)**. *Viet Nam Generation Journal Online*, ۳ (۳).
۱۲. Lakoff, G. (۲۰۰۲). **Moral politics: How liberals and conservatives think**. Chicago: University of Chicago press.
۱۳. Lakoff, G., & Thompson, H. (۱۹۷۵). **Introducing cognitive grammar** (Vol. ۱, pp. ۲۹۵-۳۱۳). Presented at the Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society.
۱۴. Lakoff, G., & Turner, M. (۱۹۸۹). **More than cool reason: A field guide to poetic metaphor**. Chicago: University of Chicago press.

۱۵. Lundmark, C. (۲۰۱۰). **Plant Metaphors in English Economic Newspaper Texts**. Oxford: Oxford university press.
۱۶. McCloskey, D. N. (۱۹۹۸). **The rhetoric of economics**. Wisconsin: Wisconsin Press.
۱۷. Nesi, H. (۱۹۹۵). **A modern bestiary: a contrastive study of the figurative meanings of animal terms**. *ELT Journal*, ۴۹(۳), ۲۷۲-۲۷۸.
۱۸. Newmark, P. (۱۹۹۳). **Paragraphs on translation**. London: Multilingual matters.
۱۹. Sharifi, S., & Firuzian, A. (۲۰۱۲). **Role of body members in constructing metaphors in Persian political texts**. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, ۳.
۲۰. Talebinejad, M. R., & Dastjerdi, H. V. (۲۰۰۵). **A cross-cultural study of animal metaphors: When owls are not wise! Metaphor and Symbol**, ۲۰ (۲), ۱۳۳-۱۵۰.
۲۱. Urbonaitė, J. (۲۰۰۷). **Health metaphor in political and economic discourse: A cross-linguistic analysis**. *Studies about Languages*, (۱۱), ۶۸-۷۴.

